

بررسی انتقادی کتاب «الأدب العربي والایرانیون»*

صغرا فلاحی**

چکیده

ایرانیان، در طول تاریخ، در پیشبرد ادبیات عربی، سهم زیادی به خود اختصاص داده‌اند، به طوری که در صرف و نحو، علوم بلاغی، لغت، شعر، کتابت و ... نام ادیبان و علمای ایرانی بر تارک علوم می‌درخشد. نقش ایرانیان در تولید شعر و انواع نثر از چنان اهمیتی برخوردار است که نویسندگان بسیاری انگیزه ایرانیان را در روی آوردن به زبان عربی بررسی کرده و به بیان میزان هنرآفرینی نیاکان ما در این زبان پرداخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: اشتباهات تایپی، حرکت گذاری، اسلوب، کاستی‌ها

مقدمه

کتاب *الادب العربي والایرانیون* که به همّت دو تن از استادان بزرگوار دانشگاه به‌رشته تحریر درآمده و در انتشارات «سمت» چاپ شده، از جمله کتاب‌هایی است که در آن نقش ایرانیان در زبان و ادبیات عربی بررسی شده و از شاعران و کاتبان و نویسندگان ایرانی «از آغاز پرداختن به زبان عربی تا پایان دوره عباسی» و نمونه آثار آنان سخن به‌میان آمده است.

* شاملی، نصرالله و ایروانی‌زاده، عبدالغنی. تهران: سمت. ۱۳۸۴.
** عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم کرج azmoude@gmail.com
تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۸

این کتاب اگرچه برای تدریس درس «متون نظم و نثر عربی در ایران از آغاز تا سقوط بغداد» - به ارزش «۲ واحد» - تدوین شده است، می‌تواند عطش پژوهندگان را که در جست‌وجوی نشانه‌های فرهنگ و هنر ایرانیان در عرصه‌های مختلف هستند، سیراب کند. از آنجا که این کتاب برای اولین بار چاپ شده است، خالی از ضعف و کاستی نیست. در این مختصر سعی شده است ضمن سپاس از تلاش نویسندگان، به پاره‌ای از کاستی‌ها، که در خلال تدریس کتاب با آنها مواجه شدم، اشاره کنم. به این منظور، کتاب را ضمن ۳ محور اساسی متن، پاورقی و منابع بررسی کردم.

متن

جا دارد «متن» که وظیفه‌ی خطیر انتقال یافته‌های نویسنده را به عهده دارد، از اسلوبی متین، کلماتی گزیده و جذابیت برخوردار باشد و درون‌مایه‌ی خود را، بی‌هیچ ابهام، به خواننده منتقل کند. به کارگیری شایسته «پاورقی» در این راستا به نویسنده کمک می‌کند متنی روشن و مستند ارائه دهد.

منابع هم که سرچشمه‌های اصلی و سیراب‌کننده‌ی محتوای کتاب هستند، اگر به درستی به کار گرفته شوند، به متن اصالت می‌دهند و نویسنده را یاری می‌کنند تا حق مطلب را برساند.

با وجود به کارگیری منابع و پاورقی، متن کتاب گاه ابهامات و نقص‌هایی به شرح زیر دارد:

۱. اشکالات در تایپ

اشکالات تایپی این کتاب، درمقایسه با دیگر کتاب‌هایی که برای اولین بار به زینت طبع آراسته می‌شوند، بسیار اندک و قابل چشم‌پوشی است؛ ولی از آنجا که این کتاب، کتابی درسی است، جا دارد که به این اشکالات - تحت عنوان «اشکالات املایی و نگارشی» و «اشکالات اعرابی» - اشاره کنم.

الف - اشکالات املایی^(۱) و نگارشی:

ص ۱۹، س ۲: وَرَثَت ← وَرَثَت؛ ص ۴۴، س ۱۴: بآراء ← بآراء؛ ص ۴۳، س ۱۳: هذّه -

الموضوع ← هذا الموضوع؛ ص ۵۲، س ۶: یالغیب ← بالغیب؛ ص ۵۸، س ۱۴ جنباء ← جنباء؛ ص ۵۹، س ۱۰: کالتی ← کالتی^(۲)؛ ص ۷۱، س ۴: الفترة تمتد ← الفترة التي تمتد؛ ص ۷۹، س ۴: فسطاقه ← فسطاق؛ ص ۸۴، س ۸: «اولاً به سر سطر بعدی برود؛ ص ۷۸، س ۱۷: جمله و اذا» سر سطر باشد؛ ص ۹۲، س ۱۹: جنباء ← جنباء؛ ص ۹۳، س ۱۹: جنباء ← جنباء؛ ص ۹۸، س ۲: الاماغر ← الاماغر؛ ص ۱۰۴، س ۱۰: فیفهم ← فیفهم؛ ص ۱۱۲، س ۲: فیضماً ← فیضماً؛ ص ۱۱۲، س ۲: ویضماً ← ویضماً؛ ص ۱۱۲، س ۲: ضمماً ← ضمماً؛ ص ۱۱۲، س ۱۷: ابانواس ← ابانواس؛ ص ۱۲۵، س ۷: لِدَةً ← لِدَةً (متنبی، بی تا: ج ۴، ص ۳۷۵)؛ ص ۱۲۸، س ۱۶: الاقدار اذا ← الاقدار اذا؛ ص ۱۳۲، س ۶: صباً ← صباً؛ ص ۱۳۴، س ۹: الاخر ← الاخر؛ ص ۱۴۷، س ۴: لمتد ← لمتد؛ ص ۱۴۹، س ۱۱: درء ← درء؛ ص ۱۶۰، س ۸: ل ← اما؛ ص ۱۶۳، س ۲۱: اثار ← اثار؛ ص ۱۷۴، س ۱۰: الاثار ← الاثار؛ ص ۱۷۶، س ۱۹: الاثار ← الاثار؛ ص ۲۱۳، س ۵: امال ← امال؛ ص ۲۴۵، س ۱۰: آنها ← آنها.

ب - اشکالات اعرابی:

ص ۱۹، س ۱: فارس ← فارس^(۳)؛ ص ۷۹، س ۱۱: مطر ← مطر؛ ص ۸۲، س ۱۰: فکان قد ← فکان قد؛ ص ۱۰۴، س ۳: فَلَوا أَنکُم ← فَلَوا أَنکُم^(۴)، ص ۱۰۴، س ۱۳: شراباً ← شراباً؛ ص ۱۰۹، س ۱۹: اُذْنِه ← اُذْنِه؛ ص ۱۲۵، س ۶: فارس ← فارس (متنبی، بلاتاریخ: ج ۴، ص ۲۷۵)؛ ص ۱۳۰، س ۱۷: مَفْرَد ← مَفْرَد؛ ص ۱۳۰، س ۵: اُسوَةٌ ← اُسوَةٌ؛ ص ۱۳۰، س ۱۸: والنَّبِی ← والنَّبِی؛ ص ۱۳۰، س ۵: لَمَّ اکْ ← لَمَّ اکْ (البستانی، بی تا: ج ۳، ص ۱۹۹)؛ ص ۱۳۰، س ۶: اذا وَلَدَ الخیر ← اذا وَلَدَ الخیر؛ ص ۱۳۱، س ۹: الرّدى ← الرّدى؛ ص ۱۴۰، س ۲: لَدِ ← لَدِ؛ ص ۱۴۴، س ۱۰: القذی ← القذی؛ ص ۱۶۱، س ۱۴: متکلف ← متکلف؛ ص ۱۹۲، س ۱۲: غزیراً ← غزیراً؛ ص ۱۹۲، س ۱۲: عذاباً ← عذاباً؛ ص ۲۰۱، س ۱۲: فدعی ← فدعی؛ ص ۲۰۵، س ۷: استوزر ← استوزر؛ ص ۲۱۱، س ۱۵: لی ← لی؛ ص ۲۱۶، س ۱۱: سَحَب ← سَحَب^(۵)؛ ص ۲۲۳، س ۲۱: دَفَعَهُ ← دَفَعَهُ؛ ص ۲۲۹، س ۱۰: لَجَبینَه ← لَجَبینَه.

۲. کاستی های متن

روش نویسندگان در بیان مطالب و به کارگیری پاورقی، یکسان نیست؛ برای مثال، همه

واژه‌های دشوار که در شواهد آمده‌اند، شرح نشده‌اند و در صفحاتی که به‌طور مشخص مطلب از منبعی گرفته شده، منابع در پاورقی معرفی نشده است. گاه مطالب زائد در پاورقی آمده، اسلوب نگارش پاره‌ای از جملات فارسی است و گاه مطالب تکراری و اطناب در جملات، ملال آور می‌شوند. روش گلچین کردن مطالب و نحوه ارائه آنها مشخص نیست: گاه باتوجه به سرفصل^(۶) مطالب اساسی از قلم افتاده؛ در برخی از صفحات، کلمات با حروف خاص فارسی در متن عربی به کار رفته است و برخی از جملات به بازنویسی نیاز دارند.

الف - استفاده نکردن از پاورقی در جاهایی که ضرورت دارد^(۷):

ص ۳۲، ۱۵ به بعد (کلمات شعر) و ص ۱۱۷ بیت ۵ و کلمات ص ۱۱۸ به شرح نیاز دارند؛ همچنین است واژه «نشاب» در ص ۷۹ و «قراح و ولغ» در ص ۳۵. در ص ۷۹، ۱۸، برای جلوگیری از طولانی شدن جمله، بهتر بود عبارت «اخی - السلطان مسعود الغزنوی» و «صاحب لباب الالباب» به پاورقی منتقل می‌شد. در ص ۵۵، از نوع نگارش عبارات پاراگراف دوم مشخص است که از منبعی گرفته شده ولی در پاورقی به آن اشاره نشده است.

برخی از مطالب در پاورقی ارجاع داده شده‌اند ولی چون از چند منبع با چاپ‌های مختلف استفاده شده و در پاورقی به محل چاپ اشاره نشده است، قابل دسترسی نیستند. ص ۱۲۸، ۱۰، جمله «فانه صاحب الطریقه...»^(۸) از یتیمه الدهر (الثعابی، بلاتاریخ: ج ۴، ص ۳۴۷-۳۴۶) نقل شده ولی اشاره‌ای به آن نشده است.

ب - تکرار مطالب:

– جمله «فانه صاحب الطریقه...» در ص ۲۸، ۱۰ در ص ۱۲۶، ۱۵ تکرار شده است.
– جمله «ومن الاسر الحاکمه المعروفة بحبها للادب فی هذا العصر» در ص ۸۱، ۱۲، در همان صفحه، ۱۶ تکرار شده است.

ج - به کار بردن کلمات با حروف خاص فارسی:

ص ۵۴، ۱۶ و ۱۷، ص ۵۶، ۱۰، و ص ۸۴، ۱۹: «شاپور»؛ ص ۷۸، ۶: «منوچهری»؛ ص ۱۶۱، ۱۲: «چوبین».

د: جامع و کامل نبودن مطالب ذکر شده^(۹):

سرفصل ارائه شده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کامل نیست؛ نویسندگان از زندگی

افرادی چون ثابت بن قطنه، کعب بن حوران، نهار بن توسعه و مغیره بن حبناء^(۱۰) ذکری به میان نیاورده‌اند. در مورد شاعران مطرح شده در کتاب^(۱۱) هم نحوه گلیچین کردن مطالب مشخص نیست؛ برای مثال:

زیاد الاعجم: درباره علت نامیده شدن «زیاد» به «اعجم» در کتاب‌های مختلف توضیح داده شده ولی در این کتاب از اینکه «زیاد» در تلفظ حروف عربی مشکل داشته (سزگین، ۱۴۰۲ هـ / ۱۹۸۲ م: ج ۳، مجلد دوم، ص ۹۶)، صحبتی به میان نیامده است.

نویسندگان می‌توانستند شعر «زیاد الاعجم» را که هنگام به‌ولایت رسیدن دوستش «عمر بن عبیدالله بن معمر» سروده است، به‌عنوان شاهد بیاورند. شعر چنین است:

أَبْلَغُ ابِاحْفَصِ رِسَالَةَ نَاصِحٍ	أَنْتَ مِنْ زِيَادٍ مُسْتَبِينًا كَلَامُهَا
فَأَنْتَ كَمَثَلِ الشَّمْسِ لَا سَتْرَ دُونِهَا	فَكَيْفَ ابِاحْفَصِ عَلَيَّ ظِلَامُهَا
لَقَدْ كُنْتُ ادْعُو اللَّهَ فِي السَّرِّ أَنْ أَرَى	أُمُورَ مَعْدٍ فِي يَدَيْكَ نِظَامُهَا
فَلَمَّا أَتَانِي مَا أَرَدْتُ تَبَاشَرْتُ	بَنَاتِي وَ قُلْنَ الْعَامَ لِأَشْكَائِ عَامُهَا
فَأَنِّي وَارِضًا أَنْتَ فِيهَا ابْنُ مَعْمَرٍ	كَمَكَّةَ لَمْ يَطْرُبْ لَارِضِ حَمَامُهَا
إِذَا اخْتَرْتُ أَرْضًا لِلْمَقَامِ رَضِيَّتُهَا	لِنَفْسِي وَ لَمْ يَنْقُلْ عَلَيَّ مَقَامُهَا
وَ كُنْتُ أُمْنَى النَّفْسِ مِنْكَ ابْنُ مَعْمَرٍ	أَمَانِي أَرْجُو أَنْ يَتَمَّ تَمَامُهَا
فَلَا أَكْتُ كَالْمَجْرِي إِلَى رَأْسِ غَايَةٍ	يُرْجَى سَمَاءً لَمْ يَصْبِهِ غَمَامُهَا

(الاصفهانی، بی تا: ج ۱۵، ص ۳۸۶)

این ابیات دربرگیرنده نکات بلاغی مهمی است^(۱۲) که نویسندگان می‌توانستند ضمن اشاره به آن، از یک سو به ذوق ادبی ایرانیان – حتی در آغاز روی آوردن به شعر عربی – اشاره کنند و از سوی دیگر تکسب شاعر را – که در زمان حکومت امویان امری مرسوم بوده است، بیان کنند. در کتاب‌های مختلف، داستانی درباره حمایت شاعر از کبوتری بیان شده است؛ که اگر نویسندگان آن را نقل می‌کردند، می‌توانستند اشاره کنند که حمایت از پرندگان، موضوع جدیدی است که در شعر ایرانیان که فرهنگ وسیع‌تری داشته، راه یافته است. این موضوع می‌توانست دلیلی بر برتری مضامین شعر ایرانیان بر شعر اعراب باشد. (همان، ج ۱۵، ص ۳۸۳)

اسماعیل بن یسار: وجه بارز شعر این شاعر، ویژگی ضدعربی آن است به گونه‌ای که

تاریخنگاران او را در شمار طلایه داران شعر ضدعربی قرار داده‌اند. نویسندگان به این مطلب مهم، اشاره‌ای گذرا کرده‌اند. (ص ۹۵)

شعر اسماعیل، همچون معاصران عرب وی، اسلوب جاهلی دارد. او در شعری بامطلع زیر، بعد از وصف اطلال و دمن، به مدح و فخر ایرانیان و نکوهش اعراب پرداخته است:

ما علی رسم منزل بالجَنابِ لو ابان الغداة رجع الجوابِ

(الاصفهانی، بی تا: ج ۴، ص ۴۱۰)

این موضوع، جدید و خاص ایرانیان است.

نویسندگان، تکسب شاعر را بیان نکرده‌اند. (همان، ص ۴۱۳) آنان می‌توانستند با بیان این موضوع، درباره شباهت‌های میان شعر عربی ایران و شعر عربی سرزمین‌های عربی در عصر اموی بحث کنند.

به هواداری اسماعیل از انقلاب زبیریان، جز در ص ۷۹ با عنوان «رثاء لمحمد بن عروة»، اشاره نشده است. نویسندگان می‌توانستند با تکیه بر منابع، به سیاسی‌بودن شعر اسماعیل اشاره و خاطر نشان کنند که او نیز به دلیل بخل ابن زبیر و اهمیت ندادنش به تبلیغات، به پایگاه امویان پیوست و همچون هم‌عصران عربش، عبدالملک بن مروان را مدح کرد. (همان، ص ۴۰۸)

در ص ۹۹، س ۴، علت فخر اسماعیل به خود و قومش، تبعیت او از اسلوب جاهلیان بیان شده است؛ حال آنکه از مطلع زیر مشخص می‌شود که او در آوردن مقدمه غزلی در آغاز قصائدش روشی جاهلی داشته است:

یاربع رame بالعلیاء من ریم هل ترجعن اذا حیئت تسلیمی

در ص ۹۹، بیت سوم شعر حذف شده است:

کانتی یوم ساروا شارب سلبت فواده قهوة من خمر داروم

حال آنکه نویسندگان با آوردن این بیت می‌توانستند شعر ایرانیان را علاوه بر جاهلی‌ها (همان، ص ۴۲۳)، با شاعران اموی نیز مقایسه کنند، چرا که «اخطل» در قصیده «خف القطین» (البستانی، بی تا: ج ۲، س ۷۹) گفته است:

کانتی شارب یوم استبد بهم من قرقف ضمنتها حمص او جدر

با این بیت که در آن، در واقع همان مفهوم شعر اسماعیل تکرار شده است، می‌توان تأثیر و تأثر دوجانبه عربی - ایرانی را منتقل کرد؛ و نویسندگان می‌توانستند با بیان این بیت در

انتهای صفحه ۹۹ عبارت «مقتفياً أسلوب الجاهلین والامویین» را بیفزایند.

موسی شهوات: در ص ۱۰۲ بعد از بیت دوم، بیت زیر در منبع آمده است:

علی وجه تلقی الایامن واسمه و کلّ جواری طیره بسعود

(الاصفهانى، بی تا: ج ۳، ص ۳۵۵)

«تطیر» – چنان که از بیت مشهود است – در ایران هم متداول بوده است.

ابوالعباس الاعمى: این شاعر در مدح امویان، قصیده‌ای دارد (همان، ص ۲۹۹) که

برخی از ابیات آن چنین است:

سک ومان اخال بالخیف انسی	لیت شعری افاح رائحة المسـ
والبهالیل من بنی عبد شمس	حین غابت بنوامیة عنه
ن علیها و قاله غیر خرس	خطباء علی المنابر فرسا
لوا اصابوا ولم یقولوا بلبس	لا یعابون صامیتن وان قا
و وجوه مثل الدنانیر ملس	بخلوم اذا الحلوم تقصّت

اگر نویسندگان، این ابیات را که بی شباهت به «سینه بحتری» (البستانی، بی تا: ج ۳، ص ۱۱۷)^(۱۳) نیست، می‌آوردند، می‌توانستند افق جدیدی بگشایند. مبنی بر اینکه بحتری از شعر ایرانیان قبل از خود آگاهی داشته است؛ چرا که کلمات «خرس»، «لبس»، «ملس» و «انس» در قصیده بحتری هم به کار رفته و هر دو در بحر خفیف سروده شده‌اند.

همچنین می‌توانستند اثبات کنند که تأثیر و تأثر اعراب و ایرانیان دوجانبه بوده است.

ابان بن عبد الحمید: این شاعر برای اولین بار «شعر تعلیمی» سروده است. ولی در

کتاب، ذکری از او به میان نیامده است.

۵- نگرش شتاب زده به برخی عبارات ها :

«سَحَب» در ص ۲۱۶، س ۱۱ اشتباه اعراب گذاری شده و همین امر به اشتباه دریاورقی

نیز منجر شده است.

در ص ۹۴، س ۱۸، عبارت «ومن شعره فی الحکمة» در اصل، باید چنین نوشته می‌شد:

«و من شعره فی الهجاء الذی فیه شیء من الحکمة».

در ص ۸۲، س ۱۸، «فی خاتمه هذا الفصل» درست نیست؛ چرا که اینجا پایان فصل

نیست، بلکه پایان بخشی از فصل اول است که با عنوان «الشعر العربی فی ایران - الفترة

الاولی» در ص ۷۳ شروع شده و در ص ۸۲ تنها بخش مربوط به غزنویان به اتمام رسیده است.

در ص ۵۲، س ۳۰، در عبارت «اول الشعراء الصوفيين... باباطاهر» و نیز در ص ۵۳، س ۴، در عبارت «اول الشعراء الصوفيه... ابوسعید ابی‌الخیر»، کاربرد کلمه «اول» برای دو شاعر که هر دو در قرن پنجم می‌زیستند، منطقی نیست.

در ص ۱۳۰، س ۱۱، در بیت زیر:

وَقَلْ مَا لَكُمْ بَعْدَ طَوْلِ الضَّلَا لَمْ تَشْكُرُوا نِعْمَةَ الْمُرْشِدِ

حرف «ل» به دلیل وزن شعری باید به مصراع دوم منتقل شود.

در ص ۱۰۰، در شرح بیت زیر:

اصلى كريم و مجدى لا يقاس به ولى لسان كحد السيف مسموم

واژه «مسموم» صفت «لسان» گرفته شده است، ولی با توجه به اعراب کلمه و قافیه شعر، بهتر است صفت «حد و سیف» باشد؛ و اگر تأکید نویسنده آن است که «مسموم» صفت «لسان» است، باید «مرفوع» خوانده شود که در آن صورت «اقواء»^(۱۴) پیش می‌آید.

ص ۹۲ س ۲ «نماذج من شعره»، علت هجا «زیاد اعجم» و هم‌عصر بودنش با «جریر» و «فرزدق» عنوان شده در حالی که علت هجا، نزاع میان قبایل عربی مهاجری است که به خراسان رفتند. از آنجا که بیشتر مهاجران به خراسان، از بصره - که عرصه کشمکش میان تمیم و ازد بود - مهاجرت کرده بودند، با مهاجرت آنها به خراسان، شعر مدح و هجا هم به آنجا منتقل شد. (آذرشب، ۱۳۷۵: ۱۶۹)

در ص ۸۴، س ۱۲، از آنجا که «نستنج» یکبار قبل از شماره‌ها به صورت کلی آمده است، در اینجا دیگر لازم نیست.

در ص ۶۱، س ۶، «الرابع» ادامه بحثی است که در صفحات قبل با «الاول والثانی و...» مطرح شده ولی به دلیل فاصله‌ای که با عنوان «نموذج من الحكم الفارسیه» در ص ۶۰ افتاده، ارتباطش با قبل از بین رفته است. این فاصله با کمی جابه‌جایی در جمله‌های دسته‌بندی شده از بین می‌رفت و مفهوم واضح‌تر می‌شد.

در ص ۷۶، جای پاراگراف ۴ و ۵ باید عوض شود: «من الادلة... عندماتوفى...».

در ص ۸۱، در پاراگراف‌های ۳ و ۴ با قراردادن «الف» و «ب» از تکرار جمله «من

الاسر الحاکمه المعروفة...» جلوگیری می‌شد.

و - نداشتن اسلوب عربی:

ص ۷۹، س ۵: جمله «قال علی البداهة» اگر به صورت «انشد بالبداهة» یا «انشد مرتجلاً»

می‌آمد با سبک جملات عربی سازگارتر بود.

در ص ۵۲، س ۳۰، بین مبتدا و خبر در جمله «اول الشعراء الصوفيين من الفرس فی هذا العصر باباطاهر العریان»، فاصله زیاد است. بهتر بود این فاصله با ذکر ضمیر (هو) بعد از «هذا العصر» از بین می‌رفت.

پاورقی

پاورقی، از ارکان مهم کتاب است که ارائه صحیح آن می‌تواند راه را برای مطالعات بیشتر و تخصصی‌تر خوانندگان باز کند. اشکالات پاورقی در زیر تحت دو عنوان بررسی شده است: ۱. خطاهای نوشتاری، ۲. مشکلات ساختاری.

۱. خطاهای نوشتاری

ص ۹۸: پ ۴: هُدَّة هُدَّة ← هُدَّة هُدَّة؛ پ ۲، س ۲: اماغر ← اماعز؛ پ ۲، س ۲: أمغر ← أمغر.

ص ۱۳۲: پ ۵: النجیل ← البخیل.

ص ۱۴۵: پ ۲، س ۲: طرّوه ← طرده؛ پ ۳، س ۲: اکوانه ← اکونّه؛ پ ۴، س ۲: منفر ← منفرد.

ص ۱۴۶: پ ۱، س ۳: شرعی ← شرعیه؛ پ ۴: التّقل ج نُقله ← مصدر.

ص ۱۴۷: پ ۵: الحیاة علی مهل ← الحیاة. علی مهل؛ پ ۱، س ۲: کور ← کور.

ص ۱۵۲: پ ۳، س ۹: الاشرافیون ← الاشرافیین.

ص ۱۸۰: پ ۴: تلمس ← تلمس.

ص ۲۱۶: پ ۵: سحَب ← سحَب.^(۱۵)

ص ۲۳۰: پ ۱: الاخدعان عرقان ← الاخدعان: عرقان.

ص ۲۳۰: پ ۵: الخلق ضرب ← الخلق: ضرب؛ پ ۶: انثالت انصبت ← انثالت: انصبت.

ص ۲۳۳: پ ۱، س ۴: فی واحد ← فی واحد.^(۱۶)

۲. مشکلات ساختاری

الف - نحوه ارائه مشخصات کتاب‌ها در پاورقی منطقی نیست^(۱۷).

ارجعاتی که نویسندگان برای اولین بار داده‌اند، با ارجعات دیگر تفاوتی ندارد؛ برای مثال:

در ص ۹، پ ۱: *الاخبار الطوال*، ص ۱۱۳ و ۱۱۹ و مابعدها؛ که در اینجا چون عنوان کتاب برای اولین بار آمده است باید اسم نویسنده هم قید می‌شد: مثل «دینوری، *الاخبار الطوال*، ص ۱۱۳ و ۱۱۹ و مابعدها».

در ص ۹، پ ۱، فقط اسم کتاب و شماره صفحه آمده است.

ب - در منابع، به مشخصات فارقه کتاب‌ها اشاره نشده است:

در این کتاب، به ۳ چاپ مختلف از کتاب *الآغانی* مراجعه شده^(۱۸)؛

ولی در ارجاعات، به ناشرهای مختلف آن (به دار احیاء التراث العربی و دار الثقافة و الهيئة المصرية) اشاره‌ای نشده است که این امر خواننده را در مراجعه به منبع دچار سردرگمی می‌کند.

در ص ۴۸، پاورقی ۴، به ناشر *تلیس ابلیس* اشاره نشده است.

در ص ۱۰۳، منبع شعر، کتاب *الآغانی* (ج ۱۶، ص ۲۹۸) است؛ ولی در پاورقی به محل چاپ کتاب اشاره نشده است.

البته در مورد همه کتاب‌هایی که نویسندگان به چند چاپ از آنها مراجعه کرده‌اند، همین اشکال وجود دارد؛ از جمله: *الفخری*، *وفیات الاعیان*، *دیوان ارجانی*، *البيان والتبيين*، *الصناعتین*.

ج - در ارائه مشخصات پاورقی، روش یکسانی دنبال نشده است:

در ص ۱۳۹، پ ۲، *الشعر العربي فی العراق و بلادالعجم*، تنها با قید شماره صفحه آمده ولی در همان صفحه، پ ۴، کتاب مذکور همراه با اسم نویسنده «علی جواد الطاهر» و شماره صفحه آمده است.

در ص ۶۱، پ ۱، کتاب *الآغانی* با ذکر محل چاپ و نوبت چاپ آمده ولی در جاهای دیگر این مشخصات نیامده است.

در ص ۱۵۰، س ۳، مشخصات *دیوان ارجانی* به صورت کامل با ذکر شماره صفحه و نوبت چاپ و محل چاپ آمده است.

درص ۱۶۷، پ ۱، فقط اسم کتاب، شماره جلد و شماره صفحه آمده اما در همان صفحه، پ ۲ و ۳، به اسم کتاب، اسم نویسنده، شماره جلد و شماره صفحه نیز اشاره شده است.

در پاورقی ص ۱۷۱، به ذکر «دراسه الدكتور احسان عباس» نیازی نبود چون در بقیه پاورقی‌ها هم نیامده است.

در برخی پاورقی‌ها، به چاپ‌های مختلف یک کتاب اشاره شده است؛ از جمله: پاورقی ۳ ص ۱۶۱: «دارصادر بیروت»، چون به دو چاپ از کتاب مراجعه شده است؛ و یا در ص ۱۸۹، پ ۱، که به کتاب و محل چاپ اشاره شده است.

در برخی پاورقی‌ها نیز مشخصات کتاب‌شناختی کتاب‌ها کامل است، مثل ص ۲۰۹، پ ۷.

د- برخی منابع در پاورقی عنوان شده ولی در فهرست منابع نیامده است:

ص ۱۲، پ ۲: مصادر الشعر الجاهلی، ناصرالدین الاسد؛ ص ۳۱: الاغانی طبع دارالفکر، ص ۴۲: الشعر والشعراء دارالمعارف مصر؛ ص ۶۱: الاغانی چاپ دارالکتب العلمیه؛ پاورقی ص ۱۹۶: ریاض العلماء؛ ص ۱۹۸، پ ۱: الاتقان فی علوم القرآن؛ ص ۲۰۱، پ ۱: امراء البیان، کردعلی.

ه- به منابع دست اول مراجعه نشده با اینکه مشخصات آنها در فهرست منابع آمده است^(۱۹):

ص ۱۸۶، پ ۱: مقاتل الطالبیین به نقل از الاغانی؛
ص ۱۷۴، پ ۴: ضحی الاسلام به نقل از زهر الآداب؛
ص ۱۷۳، پ ۱: مراجعه به الادب الکبیر... به نقل از وفيات الاعیان؛
ص ۱۷۴، پ ۲: مراجعه به ضحی الاسلام به نقل از جهشیاری؛
ص ۱۴۹، پ ۳: خریده القصر به نقل از وفيات.

و- در برخی پاورقی‌ها کلی گویی شده است:

ص ۴۶، پ ۴: أنظر تاریخ ادبیات در ایران المجلد الاول والثانی.

ز- بعضی مسائل حاشیه‌ای در پاورقی وجود دارد:

در ص ۵۵، پ ۲: در مورد کتاب الحاوی، جمله «قد طبع هذا الكتاب فی حیدرآباد دکن فی اثین و عشرين مجلداً» زاید است.

ح - امانت رعایت نشده است:

در شرح کلمات، نویسندگان در فهرست منابع به کتاب فرهنگ لغتی اشاره نکرده‌اند؛ و گاه برخی از توضیحات و شرح‌ها، از کتاب دیگری بدون اشاره و هیچ تغییری گرفته شده‌اند. در ص ۱۰۴، پ ۱، همه کلمات از *الآغانی* (ج ۱۶، ص ۳۰۵) گرفته شده‌اند.

ط - در ارجاع آیات ناهماهنگی وجود دارد:

در ص ۵۹، س ۱۰ و ۱۱، دو آیه بدون ذکر سوره در پاورقی آمده است. در ص ۲۲۵، پ ۲، و نیز در ص ۱۱۹، پ ۱ و ۲ و ۵، و ص ۱۹۸، پ ۵ و ۷، نشانی آیه داده شده است.

ی - «المصدر نفسه» و «المصدر السابق»^(۲۰) رعایت نشده است:

در ص ۹۶، مأخذ ارجاع داده شده در پ ۷ کتاب *الآغانی* بوده و بعد از دو صفحه (ص ۹۸، پ ۵، س ۱۰)، نوشته شده است: «المصدر نفسه»؛ در حالی که به خاطر فاصله دو صفحه‌ای که با شرح کلمات در پاورقی ایجاد شده است، بهتر بود نوشته می‌شد «المصدر السابق» و یا اسم منبع نوشته می‌شد.

ک - در بعضی موارد، از پاورقی به شکل صحیح استفاده نشده است:

آنچه در ارجاعات کتاب مشاهده می‌شود، تنها به شرح کلمات و شماره صفحات منابع محدود است؛ حال آنکه در موارد دیگر هم ضرورت به کارگیری پاورقی احساس می‌شود؛ از جمله:

در ص ۵۸، س ۱، «زیاد الاعجم» در پاورقی به *الآغانی* ارجاع داده شده است در حالی که بهتر بود نوشته می‌شد: «برای اطلاع بیشتر، به ص ۹۱ همین کتاب مراجعه شود»؛ زیرا نویسندگان باید همه آنچه را که پیرامون «زیاد الاعجم» در *الآغانی* ذکر شده است گلچین می‌کردند و در ص ۹۱ و بعد از آن می‌آوردند.

در ص ۵۸، س ۵، در توضیح ابوالعباس الاعمی و موسی شهوات، به *فجر الاسلام* و *الآغانی* ارجاع داده شده است؛ در حالی که بهتر بود برای اطلاع بیشتر از موسی شهوات، به ص ۱۰۰ و در مورد ابوالعباس، به ص ۱۰۵-۱۰۲ ارجاع داده می‌شد.^(۲۱)

منابع

۱. اشکالات تاییبی :

ص ۲۹۱، س ۲۷: للطبعه ← الطبعه؛ س ۱۰: الآثار ← الآثار.

ص ۲۹۰، ۲۲: ۱۳۵۷ ← ۱۳۷۵^(۲۲)؛ س ۲۲: خرید ← خرید.

ص ۲۹۳، ۲۶: ثمرالباب ← ثمرالالباب.

۲. عدم ذکر کتاب‌هایی با چند چاپ به صورت مستقل:

کتاب‌های الاغانی، الصناعتين و تلبیس‌الابلیس، چند چاپ دارند که نویسندگان همه را به دنبال یک اسم نوشته‌اند؛ اما بهتر بود، برای مثال، بنویسند: عسکری، ابوهلال، الصناعتين، القاهرة، مكتبة صبيح. _____، داراحیاءالکتب‌العربیة.

۳. نوشته نشدن نام کتاب‌ها به صورت کامل:

ص ۲۹۰، ۲۲: خریدة القصر ← خریدة القصر و جريدة العصر^(۲۳).

ص ۹۱، ۳: دمية القصر ← دمية القصر و عصرة اهل العصر؛ س ۱۴: حول الادب السلجوقی ← حول الادب فی العصر السلجوقی؛ س ۱۸: يتيمة الدهر ← يتيمة الدهر فی محاسن اهل العصر؛ ص ۲۹۲، ۴: روضات الجنات ← روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات؛ س ۱۸: بغية الوعاة ← بغية الوعاة فی طبقات اللغويين والنحاة.

ص ۲۹۳، ۴: تاريخ الادب العربي (به عصر آن اشاره نشده است).

ص ۲۹۴، ۵: احسن التقاسيم ← احسن التقاسيم فی معرفة الاقاليم.

۴. نیاوردن نام برخی از کتاب‌ها که در پاورقی به عنوان مرجع یا مصدر آمده است:

ص ۳۰، ۲: شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید.

ص ۳۱، ۲: الاغانی چاپ دارالفکر.

ص ۶۱، ۱: الاغانی چاپ دارالکتب‌العلمیه.

۵. رعایت نشدن ترتیب:

کتاب‌ها در فهرست منابع براساس نام نویسنده مرتب شده‌اند؛ ولی در ص ۲۹۱، بعد از حرف «ت»، اسم کتاب (تاریخ سیستان) قرار گرفته است، در حالی که چون نویسنده کتاب معلوم نیست، باید این مأخذ در حرف «م» با نام «مجهول المؤلف» قرار می‌گرفت. (مشکین‌فام، ۱۳۸۴: ۴۷)

۶. در پاره‌ای موارد، مشخصات کتاب کامل نیست:

در ص ۲۹۳، ۳: کتاب الفن و مذاهبه فی النشر العربی، مکان و سال چاپ نیامده است.

در ص ۲۹۳، س ۴، در مورد تاریخ الادب العربي، عصرش مشخص نیست.
در ص ۲۹۳، س ۱۷ نوشته شده است: «الفاخوری، حنا، تاریخ الادب العربي؛ و مشخصات دیگری نیامده است.
در ص ۲۹۲، س ۲ نوشته شده است «خطیب بغدادی» و نام «احمد بن علی» آورده نشده است.

خلاصه

تلاش استادان بزرگوار در جمع آوری مطالب این کتاب در قالب کتاب درسی دانشگاهی ستودنی است؛ ولی به نظر می رسد ذکر مطالب تاریخی و عقیدتی و حرکت های عقلی که ۹۰ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است، و اختصاص فقط ۶۵ صفحه به نظم و نثر، برای درسی با عنوان «متون نظم و نثر» خسته کننده است. با نگرشی دوباره به کتاب در چاپ های بعدی و کاهش حجم مطالب تاریخی و تنظیم آن، می توان امیدوار بود که کتاب در تدریس موفقیت قابل قبولی به دست آورد.

یادداشت ها

۱. برای راحت تر شدن و جلوگیری از اطناب، به «صفحه» با حرف «ص»، «سطر» با حرف «س»، «شماره» با حرف «ش»، «پاورقی» با حرف «پ» و «جلد» با حرف «ج» اشاره می شود.
۲. این اشکال بیشتر به اسلوب برمی گردد؛ و اگر در ص ۵۹، س ۱۰ «کالتی» بدون تشدید آمده، در همین صفحه، س ۱۱ با تشدید نوشته شده است که ظاهراً نویسندگان اسلوب واحد را در گذاشتن تشدید رعایت نکرده اند. در ص ۱۳۲، س ۴، واژه «صَبًا» هم بدون تشدید آورده است.
۳. چون مصراع اول در بیت، «مصرع» بدون تنوین می آید.
۴. به دلیل وزن
۵. این اشتباه در حرکت به خطایی در پاورقی منجر شده است و آن اینکه نویسندگان به جای آنکه در معنی «سَحَب» بنویسند «جَرَّ»، واژه «سُحِبَ» را به علت خطای اعراب جمع «السحاب» به معنی «ابر» ترجمه کرده اند. لسان العرب، ذیل واژه «سَحَب».
۶. برنامه ارائه شده از طرف وزارتخانه.

۷. اسلوب نویسندگان در شرح کلمات یکنواخت نیست؛ برای مثال در ص ۹۳ (س ۶) و ص ۹۴ کلمات شرح شده‌اند، ولی در ص ۹۵ و ۹۸ و شعر ص ۱۱۷ (اما رایت...)، واژه‌های دشوار شرح نشده‌اند.
۸. یتیمه‌الدهر، الثعالبی ۳۴۷/۴ - ۳۴۶
۹. در سرفصل، تنها به ذکر اسامی تا پایان دوره اموی اشاره شده و از دوره عباسی سخنی به میان نیامده است.
۱۰. در لابه‌لای مطالب، اسم مغیره بن حبناء آمده، ولی به زندگی و اشعارش توجه نشده است.
۱۱. در کتاب، به شرح حال شاعران و ادیبانی چون باخزری، عتبی، ابن العمید، خوارزمی، صاحب بن عباد، رشیدالدین وطواط - که به خطا جزو سرفصل متون نظم و نثر عربی در ایران (۲) قرار گرفته - اشاره شده است.
۱۲. در بیت اول در کلمه ناصح (تجرید) در مصراع اول بیت دوم (تشبیه) و در مصراع دوم (استفهام انکاری) در بیت سوم در کلمه نظام (استعاره مکنیه) و در بیت چهارم (کنایه) در بیت پنجم (تشبیه) در بیت هفتم (جناس و مراعات نظیر) و در بیت هشتم (تشبیه) به کاررفته است.
۱۳. مطلع «سینه بحتری» چنین است:
- صُنْتُ نَفْسِي عَمَّا يُدْنِسُ نَفْسِي وَ تَرَفَّعْتُ عَنْ جَدَا كُلِّ جَبِيسٍ
۱۴. اقواء از عیوب قافیه است که دو قافیه در حرکت حرف روی یکی نباشند. (عباجی، ۱۳۷۷: ۱۳۷)
۱۵. اشتباه نوشتاری «سَحَب» باعث اشتباه در ترجمه همین کلمه در پاورقی نیز شده است.
۱۶. چون شعر است.
۱۷. اگر منبعی برای اولین بار ذکر شود، اسم مؤلف، عنوان کتاب، شماره جلد و شماره صفحه آن باید نوشته شود. (مشکین فام، ۴۶)
۱۸. البته با توجه به پاورقی‌ها، ظاهراً به چاپ‌های بیشتری مراجعه شده است (در ص ۳۱، پ ۲، از الاغانی چاپ دارالفکر و در ص ۶۱، پ ۱، از الاغانی چاپ دارالکتب العلمیه استفاده شده در منابع ذکر نشده است).
۱۹. اگر دسترسی به منبع اصلی مشکل باشد، مؤلف می‌تواند از مرجع اقتباس کند (شلبی، ۱۹۷۴: ۱۰۷)؛ و از آنجا که نویسندگان چنان که در منابع به آن پرداخته‌اند، به همه منابع مورد استناد دسترسی داشته‌اند، نقل از آنها جایز نبوده است. (مشکین فام، ۱۳۸۴، ۴۵).
۲۰. اگر منبعی در یک صفحه دوبار بیاید، برای بار دوم باید نوشته شود «المصدر نفسه» و اگر همان منبع در صفحه بعد ارجاع داده شود، باید نوشته شود «المصدر السابق». (مشکین فام، ۱۳۸۴، ۴۶)

۲۱. پاورقی مکمل متن اصلی است. (البحث الادبی ص ۴۴)
۲۲. زیرا سال میلادی ۱۹۵۵ است که با سال ۱۳۵۷ منطبق نیست.
۲۳. اسم نویسنده هم گاه به صورت کامل نیامده است؛ برای مثال: «*خريدة/القصر*، اصفهانی، عماد» که باید «*خريدة/القصر و جريدة/العصر*، اصفهانی، عمادالدين» باشد.

منابع

- آذرشب. ۱۳۷۵. *تاريخ الأدب العربي*. تهران: سمت.
- ابن منظور. *بلاتاريخ*. لسان العرب. الطبعة الاولى. بيروت: دارالفکر.
- الاصفهانی، ابوالفرج. *بلاتاريخ*. الاغانی. بيروت: داراحياء التراث العربي.
- البستاني، فؤاد افرام. *بلاتاريخ*. المجانی الحديثه. بيروت: دارالمشرق.
- الثعالبي. *بلاتاريخ*. يتيمة الدهر في محاسن اهل العصر. بيروت: دارالکتب العلميه.
- سزگين، فؤاد. ۱۴۰۲ هـ / ۱۹۸۲ م. *تاريخ التراث العربي*. مجموعات المخطوطات العربية في مكتبات العالم. شاملی، نصرالله و ابروانی زاده، عبدالغنی. ۱۳۸۴. *الأدب العربي والایرانيون*. تهران: سمت.
- شلبی، احمد. ۱۹۷۴ م. *كيف تكتب بحثاً او رساله*. الطبعة الثامنة. بيروت: مكتبة النهضة المصرية.
- شوقی ضيف. *بلاتاريخ*. *تاريخ الأدب العربي العصر العباسی الثاني*. الطبعة الثانية. مصر: دارالمعارف.
- عباچی، اباذر. ۱۳۷۷. *علوم البلاغه في البديع و العروض و القافية*. تهران: سمت.
- فروخ، عمر. ۱۹۸۴ م. *تاريخ الأدب العربي*. الطبعة الثانية. بيروت: دارالعلم للملأیین.
- متنبی. *بلاتاريخ*. *ديوان*. شرح ابی البقاء العکبری. بيروت: دارالفکر.
- مشکين فام، بتول. ۱۳۸۴. *البحث الادبی؛ مناهجه و مصادره*. تهران: سمت.